

مروری بر یک سریال تقریبا موفق این روزها؛

«می خواهم زنده بمانم»؛ معاشقه زیر نگاه نافذ قدرت



ایمان عبدلی

انتخاب یک سریال ایرانی از میان آثار پرشماری که این روزها عرضه می شود کار بسیار دشواری است، برای نپسندیدن خیلی از این کارهایی که چپ و راست در اینستاگرام و روی بلبوردها رژه می روند، نیازی نیست حتماً زاویه دید هنری یا نگاهی منتقدانه داشته باشید. همین روزها دو فاجعه با عنوان «کمدی» عرضه می شوند که مشخص است هیچ تلاش اراده‌ای در پشت صحنه آن‌ها برای جذب مخاطب وجود نداشته. «مردم معمولی» و «دراکولا» از دو چهره تلویزیونی مطرح که عملاً و علناً هیچ حرفی برای عرضه ندارند و همان اعتبار نیم‌بند رامبد جوان و مه‌رمان مدیری را هم به تاراج می دهند، خوب واضح است که وقتی «فوری باغه» جزو محبوب‌های این ماه‌های اخیر شده، یعنی یک جای کار به شدت می‌لنگد. سریالی که استانداردهای اولیه قصه‌گویی

را روایت نمی کند، اما تلاش داشته «خفن» باشد، البته پدیده‌های غریبی چون «گیسو» هم وجود دارند و از پس همه این‌ها باید درک کنیم که معادلات مالی در این حوزه ناگفته‌های زیادی خواهد داشت، که می‌ماند برای روز حساب. در این میان شاید بشود یک کار (می‌خواهم زنده بمانم) را از بقیه آثار جدا کرد، نه که کاملاً مباح باشد، اما خوب استاندارد دارد، شخصیت پردازی دارد، متوجه می‌شوی کسی یا کسانی برای فیلمنامه آن تلاش کردند. داستان دارد و خوشبختانه داستانش جلو می‌رود. شاید پلات آن کمی قابل پیش‌بینی و تکراری باشد؛ اما همین پلات قابل پیش‌بینی را جذاب اجرا کرده، حداقل تا حالا که ۱۰ قسمت از آن گذشته.

«می‌خواهم زنده بمانم» تقریباً سریال موفق است. کندو کلودر رابطه‌ی عشق و قدرت و لایه‌پردازی از نسبت عشق و سیاست در زمانه عسرت و یک شرایط منقبض اجتماعی، همان چیزی است که بیشتر «شهرزاد» هم از آن گفته بود و خوب خیلی هم موفق بود، بازسازی رابطه‌ی شهرزاد، قباد و فرهاد، اینجا بسا عنوانی دیگر: هما حقی، امیر شایگان و نادر سرمد. باز هم جذاب از آب درآمد، نادر سرمد در واقع نماد روشنفکر است و شغل او هم تعدات‌تیبیکال انتخاب شده، یک معلم باطراحی لباسی که البته یادآور شمایل روشنفکری در سال‌های انتهایی قبل از انقلاب است و از آن طرف کاراکتر پیچیده و کاملاً سینمایی امیر شایگان که چون در نسبت با قدرت هم قرار دارد و کاملاً زا آلود است و البته قطعا برای حامد پهداد یک نقطه روشن در کارنامه‌ی بازیگری‌اش است. هر دو نقش جذاب و سمیات است و اگر درگیری پیدا و پنهان میان دو قطب داستان خیلی به سمت «کمیت» میل پیدا نکند و همین طور بر وجه انسانی و روانکاوانه تأکید داشته باشد، می‌تواند جذاب تر هم شود.

«می‌خواهم زنده بمانم» تقریباً سریال موفق است. کندو کلودر رابطه‌ی عشق و قدرت و لایه‌پردازی از نسبت عشق و سیاست در زمانه عسرت و یک شرایط منقبض اجتماعی، همان چیزی است که بیشتر «شهرزاد» هم از آن گفته بود

اگر هم این دو قطبی به سمت «کمیت» برود، مهم‌تر از هر چیز شاید حفظ لحن جسور فیلمساز باشد، آیا می‌تواند در دل برخی اتفاقات ریشه‌دار تمام دهه‌های اخیر برود؟ یا معضلات ساختاری را به نفع تقلیل خواهد داد؟ یعنی با گرایش مهدویان و حاتمی کیا رفتار خواهد کرد یا گفتمان سیاسی سریال پیش‌روتر خواهد بود؟ در هر صورت حتی اگر گمان کنیم، سریال در مسیر آونگاردی ادامه ندهد، انقدر

در فاز ملودرام موفق عمل کرده که می‌شود ادامه‌اش داد. مثلاً هاجتی را با شهرزاد مقایسه کنید، جقدر پیچیده‌تر و باتالی بیشتر اجرا شده، در واقع شاید این یکی از بهترین بازی‌های سحر دولتشاهی است، او موفق شده تردید و عذاب توامان تصمیم دشوارش را در تار و پود زبان بدنش و میمیک صورتش بکارد. در واقع هر بار که او را می‌بینیم همراه با خودش تمام تردیدهایش و تمام عذاب‌هایش را به ما منتقل می‌کند. البته از آن جایی که جنس تردید و دوراهی‌اش هم به قولی آیکی و از سینخ سریال‌های کلمبیایی و ترکی نیست، نقش جای کار داشته و دولتشاهی هم از فرصت استفاده کرده! این بستر مناسب نقش هادر سریال «می‌خواهم زنده بمانم» از فضای سریال سریال نشات می‌گیرد، تقابل عشق و قدرت در یک فضای اجتماعی منقبض، همان چیزی که همیشه هست و همیشه گفته نمی‌شود! خوب «هنر» همین است دیگر، حرف زدن از چیزهایی که دیده‌ نمی‌شود، تاباندن نور به نقاط تاریک و اگر این موقعیت نبض دارد، چون هست و بعضاً بنا به مصالح و به خواست قرائت رسمی سانسور می‌شود و چه عشق‌هایی که به خواست قدرت مصدره می‌شود.

روشنفکری که مهر را با کینه عوض می‌کند، معشوقه‌ای که میان خواستن‌ها و نخواستن‌ها در به در است و به قدرت کام می‌دهد، البته تمام آدم‌های پیرامونی که شکل‌های تقلیل

بستر مناسب نقش هادر سریال «می‌خواهم زنده بمانم» از فضای سریال سریال نشات می‌گیرد، تقابل عشق و قدرت در یک فضای اجتماعی منقبض، همان چیزی که همیشه هست و همیشه گفته نمی‌شود! خوب «هنر» همین است دیگر، حرف زدن از چیزهایی که دیده نمی‌شود

یافته‌ای از همین وضعیت هستند. «می‌خواهم زنده بمانم» گاهی دچار شلختگی روایی است، در فضا سازی واقعیت را بعضاً قلب کرده، می‌شود کلی از آن ایرادهای میزانشن و طراحی صحنه در آورد، خیلی چیزهایش با واقعیت دهه‌های ۶۰ و ۷۰ تطبیق ندارد، اما گفتمان موجود در آن تا قسمت دهم، گفتمان مهمی است و چون اجرای خوبی هم دارد، شاید به نوعی بهترین سریال در شرایط فعلی نمایش خانگی است، اگر که کمی از غلظت دیالوگ‌های وزین نمایش بکاهد، به هر حال لزومی ندارد تمام آدم‌های یک سریال حکیمانه حرف بزنند، حتی در آثار علی حاتمی هم برخی کاراکترها معمولی تر حرف می‌زنند و شاعرانگی هم گاهی نفس می‌کشید. باید دید «می‌خواهم زنده بمانم» در اوج می‌ماند و بسا در ادامه مصلحت‌اندیش خواهد شد.



«همین چند روز» در گالری نگاه برپا شد

کرم و با رنگ و لکه‌ها و قلم‌های آزاد کار کردم. ضامنی گفت: به نظر من حتماً لازم نیست که اثر هنری بیان و مفهوم مشخصی داشته باشد، اما آثار این مجموعه ناخودآگاه به این سمت رفته است و عنوانی که برای نمایشگاه انتخاب کرده‌ام اشاره به این است که طبیعت همیشه برقرار است و در هر شرایطی روند طبیعی خود را ادامه می‌دهد. این گل‌ها تمام می‌شوند اما دوباره به وجود می‌آیند و این نماد امید و زندگی است.

بسیار برایم جذاب بود و جزئیاتی را می‌دیدم که شاید کسی به آن‌ها توجه نمی‌کرد. کم‌کم رنگ‌ها و فرم‌های طبیعت وارد کارم شدند. ابتدا فضاهایی که از طبیعت می‌کشیدم بسیار پر و شلوغ بود اما کم‌کم کارهایم خلوت‌تر شد و به فضای هنر معاصر نزدیک‌تر شدم. این هنرمند درباره میزان پایبندی خود به طبیعت گفت: زمانی که آبرنگ کار می‌کردم کارهایم به واقعیت نزدیک‌تر بود، با این حال رئال کار نمی‌کردم و همیشه تلاش می‌کردم آزادانه کار کنم، اما در کارهای اخیر بسیار خلاصه‌تر کار

کارهای من در سال‌های اول فیگوراتیو بود. اما سال‌هاست که به طبیعت روی آورده‌ام زیرا طبیعت برایم حس بهتری دارد و رنگ‌های آن برایم آرام‌بخش است. ممکن است در کارم چیزی از گل یا منظره مشخص نباشد اما حس آن‌ها را در نقاشی منتقل می‌کنم. ضامنی ادامه داد: روند گذار از کارهای فیگوراتیو به طبیعت به مرور طی شد. ابتدا با آبرنگ و آب مرکب کار می‌کردم و هم‌زمان به دلیل علاقه شخصی به عکاسی نیز می‌پرداختم. عکس‌هایی که از طبیعت می‌گرفتم



نمایشگاه ناهید ضامنی با عنوان «همین چند روز» در گالری نگاه برگزار شد. ضامنی در گفت‌وگو با هنر آنلاین با بیان اینکه در این مجموعه ۲۱ اثر با تکنیک اکریلیک روی بوم به نمایش درآمد، گفت: ۲۵ سال است که به صورت جدی نقاشی می‌کنم و

نمایش آثار طراحان ایرانی در مهم‌ترین رویداد گرافیک دنیا

همین چند روز» در گالری نگاه برگزار شد. ضامنی در گفت‌وگو با هنر آنلاین با بیان اینکه در این مجموعه ۲۱ اثر با تکنیک اکریلیک روی بوم به نمایش درآمد، گفت: ۲۵ سال است که به صورت جدی نقاشی می‌کنم و

پنمایشگاه پوستر «نگاه ایرانی» با آثاری از طراحان گرافیک ایران در کنار بیست و هفتمین دوسالانه پوستر ورشو در کشور لهستان برپاست. این نمایشگاه به کوشش لادن رضایی و ایرج میرزا علیخانی شکل گرفته است. میرزا علیخانی در گفت‌وگو با هنر آنلاین درباره شکل‌گیری این مجموعه گفت: سال ۲۰۱۰ داور یک رویداد بین‌المللی در پرو بودم و آنجا به یکی از دوستان پیشنهاد کردم که یک نمایشگاه از آثار طراحان ایرانی برگزار کنیم. از این موضوع استقبال زیادی کردند و من

ایران بود. مادر باره توانایی‌های خط فارسی در طراحی نشانه، سخنرانی داشتیم که استقبال زیادی از آن شد. به این ترتیب ارتباط ما با دوسالانه بیشتر شد تا اینکه در این دوره به عنوان مهمان افتخاری به بینال ورشو دعوت شدیم. میرزا علیخانی ادامه داد: دوست داشتم نمایشگاه نگاه ایرانی را در ورشو نیز برگزار کنیم و به همت خانم آگنی بیشکازمیشفسکا این اتفاق رخ داد. ایران اولین کشوری است که آثاری از آن در کنار بینال ورشو به نمایش درآمده است و این افتخار بسیار بزرگی است. چنین اتفاقی تا به حال در بینال ورشو سابقه نداشته و پیش از این در باره هیچ کشوری رخ نداده است.



و به نمایش درآمد. چند سال پیش نیز از ما دعوت شد که یک سخنرانی و ورکشاپ در دوسالانه ورشو داشته باشیم و این اتفاق بسیار بزرگ و افتخاری برای گرافیک

خبر

با اعلام صندوق اعتباری هنر؛ حق بیمه پرداختی هنرمندان در فصل بهار محاسبه و واریز شد



صندوق اعتباری هنر با انتشار اطلاعیه‌ای توضیحاتی را در رابطه با نحوه پرداخت حق بیمه و سرانه درمان تأمین اجتماعی فصل بهار ارائه کرد. به گزارش ایلنا، در اطلاعیه صندوق اعتباری هنر آمده است: «علیرغم تنگنای مالی و بودجه‌ای، تلاش کردیم در این مرحله با واریز ۱۱۵ میلیارد ریال به حساب ۳۹ هزار و ۳۶۱ نفر از بیمه‌شدگان تأمین اجتماعی صندوق اعتباری هنر، به قولی که داده‌ایم عمل کنیم. در پاسخ به پرسش بیمه‌شدگان اعلام می‌شود: مبنای محاسبه حق بیمه پرداختی از سوی صندوق تابع نوع نرخ بیمه (۱۸.۱۴ و ۱۲ درصد) و اطلاعیه‌های اخیر سازمان تأمین اجتماعی مبنی بر حذف ضریب ۲۰ درصد از فرمول محاسبه حق بیمه بوده که به حساب بیمه‌شدگان محترم پرداخت شده است. بدیهی است اضافه پرداختی اعضا به سازمان تأمین اجتماعی براساس بر نامه ریزی این سازمان به حساب بستن کارپرداخت کنندگان منظور خواهد شد.» بنابر اطلاعیه اخیر سازمان تأمین اجتماعی، نرخ سرانه درمان در سال ۱۴۰۰ معادل ۷۱۶ هزار ریال به ازای هر نفر در ماه تعیین شده است که برابر با لیست دریافتی از سازمان به حساب بیمه‌شدگان بابت فروردین توسط صندوق واریز شد.

کتاب

«روایهای رنگی یک کور مادرزاد» کتاب شد



کتاب «روایهای رنگی یک کور مادرزاد» به قلم سلمان کریمی در ۲۵۰ صفحه و دو نسخه الکترونیکی و کاغذی به همت نشر صاد منتشر شد. به گزارش روابط عمومی نشر صاد، رمان «روایهای رنگی یک کور مادرزاد» به قلم سلمان کریمی روایت از روزها، نلنگی‌ها، گم‌گشتگی‌ها و دغدغه‌های اجتماعی دو نسل از جوانان ایران است که سعی در اصلاح جامعه مطابق آمال و آرزوهای خود دارند. پویا دانشجوی جوان نابینایی است که وقتی برای اولین بار در تجمع اعتراضی دانشجویان شرکت می‌کند؛ از بله‌های افتد و به سرش ضربه می‌خورد؛ با این ضربه روایهای رنگی پویا شروع می‌شود، روایهایی که در خوردردیابی از گذشته‌ی دور او دارند. این رمان با اشاره به برخی حوادث پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۵۷ و حوادث کوی دانشگاه در سال ۷۸، تشابه و تفاوت خاستگاه‌ها، بنیان‌های فکری، آرزوها و آرمان‌های دو نسل از جوانان ایران را به چالش می‌کشد. سلمان کریمی متولد سال ۱۳۵۵ در استان زنجان است. اولیسانس حقوق قضایی دارد، و آثار متعددی در حوزه ادبیات و حقوق کریمی از اعضای موسس خانه داستان زنجان است. نسخه کاغذی کتاب «روایهای رنگی یک کور مادرزاد» را می‌توانید با قیمت ۵۸۰۰۰ تومان از سایت نشر صاد به نشانی Saadpub.ir تهیه کنید و نسخه الکترونیکی اثر نیز با قیمت ۲۹۰۰۰ تومان قابل دریافت از پلتفرم طاقچه است.

موسیقی

ژیوان گاسپاریان، نوازنده پیشکسوت دودوک درگذشت



ژیوان گاسپاریان (آهنگساز و نوازنده دودوک) در ۹۳ سالی دارفانی را وداع گفت. به گزارش ایلنا، برای آنو، پیتر گابریل، مایکل بروک، برایان می، لایونل ریچی و حسین علیزاده از جمله هنرمندانی هستند که زنده‌یاد ژیوان گاسپاریان با آنها همکاری داشته است. همچنین آلبوم مشترک او با حسین علیزاده به نام «به تماشای آب‌های سپید» نامزد جایزه گرمی در رشته «بهترین موسیقی سنتی جهان» شد. گاسپاریان همچنین در آثاری چون «آخرین و سوسه مسیح»، «راه رفتن مرد مرده» و «گلادیا تور» نیز حضور داشته است.